

چالش‌های قومی در ایران: مورد مطالعه استان اردبیل

بهرام نوازی و منصور صالحی

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

info@navazeni.ir

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین

چکیده:

یکی از مسائل و مشکلات ایران، مسأله اقوام و چالش‌هایی است که در موارد بسیاری در گذشته و دوره معاصر انسجام ملی کشور را به مخاطره انداخته و موجب فروپاشی نظام‌های سیاسی آن شده است. این مقاله با هدف یافتن عوامل موثر در بروز درگیری‌ها و بحران‌های قومی در ایران و با تأکید بر مطالعه قومی در استان اردبیل بعنوان یک مطالعه موردی و ارائه راهکارهای مطلوب برای مدیریت تنوع قومی در ایران و سیاست‌گذاری مناسب در جهت احترام به مولفه‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ اقوام و در نتیجه ایجاد همبستگی و افزایش انسجام ملی تلاش می‌کند فعالیت مردم آذری پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن به ویژه بحران‌هایی که در سال ۱۳۸۵ به خاطر توهین روزنامه دولتی ایران به مردم آذری زبان آذربایجان بوقوع پیوست بپردازد. به این ترتیب سؤال اصلی این است که علل و عوامل این چالش‌های قومی در استان اردبیل چه بوده است و اینکه آیا این عوامل پایدار بوده یا با گذشت زمان تغییر یافته‌اند. روش پژوهش در این مقاله نیز علاوه بر مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای از پیمایش میدانی نیز بهره برده و با کمک پرسشنامه و سئوالات بسته و باز اقدام به نظرسنجی در این باره نموده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در مجموع توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و ... به اقوام در از بین رفتن همبستگی ملی ۹۹ درصد، تبعیض و بی‌عدالتی در مورد اقوام ۹۷ درصد، نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی اقوام ۹۶ درصد، نقش چندفرهنگ‌گرایی و احترام به فرهنگ اقوام در انسجام ملی ۸۹ درصد و در نهایت، سرمایه‌گذاری دولت و اختصاص بودجه به استان اردبیل در مقایسه با استان‌های مرکزی ۸۵ درصد در بروز بحران‌های قومی نقش داشته است. در مجموع نتایجی که از این مقاله بدست آمده نشان می‌دهد: نقش عوامل داخلی در مقایسه با عوامل خارجی در بروز بحران‌های قومی در استان اردبیل خیلی پررنگ‌تر است.

واژه‌های کلیدی: ایران، استان اردبیل، درگیری، بحران، اقوام، انسجام ملی

مقدمه

قومیت، حقوق قومی و ادعاهای قومی از پیامدهای مدرنیته و نظم جدید جهانی هستند، نظمی که از حل هزاران درگیری و رقابت‌های قومی یا اقلیتی در سراسر جهان ناتوان مانده است. قومیت برای هموار کردن راهش در جامعه جنگیده و خون‌ریزی و ویرانی در پی داشته است. بدنبال فروپاشی نظام دو قطبی، دهه ۱۹۹۰ بیش از پیش گرفتار ناگهانی درگیری‌های قومی — نژادی گردید. اگر تا این زمان، قومیت‌ها عمدتاً از سوی حکومت‌های استبدادی کمونیستی و سوسیالیسم دولتی سرکوب می‌شد، با افول درگیری‌های ایدئولوژیکی دو اردوگاه شرق و غرب و پایان جنگ سرد، اشکال جدیدی از رقابت‌های بین‌گروهی، ظهور کرد. اکنون، قومیت چارچوبی مستقل است که در قالب آن موسیقی، غذا، هنر، ادبیات و لباس معنادار می‌شود و هویت قومی به متغیری مستقل در سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است.

به گمان بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل، با افول اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، تجزیه کشورهای چندقومی همچون چکسلواکی به دو جمهوری و همچنین یوگسلاوی سابق به شش جمهوری، قومیت‌گرایی به عنوان تجلیات اخیر سیاست هویت، مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. با گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی شاهد توجهی فزاینده به مسأله قومیت و ناسیونالیسم در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی بوده‌ایم. در این میان خاورمیانه با پراکندگی‌های گوناگون مذهبی، زبانی و در سطح کمتری، نژادیش توجه بسیاری از پژوهشگران امور قومیت و

ناسیونالیسم را به خود جلب کرده است.

کشورهای خاورمیانه که در طول تاریخ حملات اشغالگرانه، استعمار، مهاجرت و غیره را تجربه کرده‌اند، مرزهای سرزمینی خود را نه بر اساس گروه‌های قومی مختلف خود، بلکه بر مبنای اشغال و استعمار ترسیم کرده‌اند. ایران نیز به عنوان جزیی از منطقه خاورمیانه از قدیم‌الایام کشوری با اقوام متنوع و سرشار از فرهنگ‌ها، شیوه‌های زیستی، مذهبی و زبانی مختلف بوده است. بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی و تحولاتی که در کشور به وقوع پیوسته گویای آن است که مناسبات میان اقوام و حکومت‌ها به ویژه در تاریخ معاصر ایران با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است و با وجودی که همگی یک مجموعه ایرانی را تشکیل داده و با دادن جان و تن خود برای حفظ و حراست از ایران از حق ایرانی بودن برخوردار شده‌اند، اما تاخت و تازها و مهاجرت‌های بزرگ تاریخی در گذشته موجب شده تا ایران زمین نیز به چهارراه حوادث تاریخ تبدیل شود و اقوام مختلف با زبانها و سنت‌های متفاوت در آن شکل بگیرد (مقصودی، ۱۳۸۰).

وقتی در درون یک کشور چندقومی و با نظامی متمرکز، یکی از اقوام حاکمیت دولتی را در دست می‌گیرد، مولفه‌های قومی قوم حاکم تسلط پیدا می‌کند و در مقابل، تلاش اقوام دیگر در حفظ و نگهداری فرهنگ، زبان، اقتصاد دیگر زمینه‌های هویتی خویش، کشور را دچار چالش‌هایی می‌کند. در چنین وضعیتی اقوامی که از نشر فرهنگ و اجتماع خود به گونه‌های مختلف با محرومیت و محدودیت مواجه شده‌اند نارضایتی‌های خود را از حاکمیت و قوم حاکم بصورت پنهان و آشکار بروز می‌دهند. این اقدام

خواستار برخورداری از حقوق مساوی و محترم شمردن خصوصیات مذهبی، زبانی و فرهنگی‌شان بوده‌اند.

اردبیل به عنوان بخشی از استان آذربایجان شرقی بود که در سال ۱۳۷۱ از این استان جدا و به عنوان استان اردبیل شناخته شد. اردبیل از جمله استان‌هایی است که از لحاظ منابع زیرزمینی بسیار غنی و از لحاظ تولیدات کشاورزی در سطوح بالاتری در میان استان‌های کشور قرار دارد به طوری که مواد خام زیرزمینی آن مورد استفاده کارخانه‌های بزرگ ایران از جمله مس کرمان قرار می‌گیرد و مواد کشاورزی و محصولات میوه آن به سراسر کشور و حتی خارج از کشور نیز صادر می‌شود. با این همه، جزو مناطق محروم کشور بشمار می‌رود (بهرامی، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۳) علاوه بر این، وجود برخی محدودیت‌ها برای ترک‌زبانان ایران از جمله عدم تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها به زبان مادری و مواردی دیگر می‌تواند مناقشات و بحران‌هایی را در تعامل قومی بین مردم آذربایجان و دولت بوجود آورد. از جمله این بحران‌ها، بحران‌ها و تجمع‌هایی که حدود شش سال بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵) همه ساله در روزهای ۱۴ و ۱۵ تیرماه در قلعه بابک اتفاق افتاد که نقطه اوج آن در سال‌های ۸۲ و ۸۳ که حدود ۱/۵ میلیون نفر از استان‌های آذربایجان و مناطق ترک‌نشین از جمله تهران به آنجا رفتند. حدود دویست هزار نفر از این تعداد از اردبیل بود (مصاحبه با فعالان). اعتراضات میلیونی مردم آذربایجان در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) که در پی اهانت یک روزنامه رسمی دولت به زبان و فرهنگ این منطقه رخ داد، باعث شد نزدیک به سه ماه منطقه با اعتراضات و شورش‌هایی مواجه شود که استان اردبیل بعنوان بخشی از منطقه آذربایجان

درگیر این بحران بود.

این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن واکاوی ریشه‌های درگیری‌ها و بحران‌های قومی در استان اردبیل، تلاش قوم‌آذری زبان را برای حفظ هویت قومی خود، عوامل و مسایل تاثیرگذار بر بحران‌ها و مناقشات این قوم با دولت مرکزی که سبب آسیب زدن بر انسجام ملی و امنیت کشور شده و خواهد شد، شناسایی کند و راهکارهایی در جهت تعامل و همکاری قومیت‌ها با قوم حاکم و افزایش همبستگی ملی در کشور ارائه نماید.

چارچوب نظری قومیت

مفهوم قومیت در طول زمان دستخوش تحول پیوسته‌ای شده و یک سیر تکوینی را سپری کرده است. در ابتدا گروه قومی مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیرمسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند اشاره داشت. سپس این واژه مفهومی نژادی گرفت و مفهوم مذهبی اولیه خود را از دست داد، ولی بار دیگر در مطالعات قومی شاهد تحول و تکامل معنی گروه‌های قومی هستیم. در این مرحله مفاهیم مذهبی و نژادی گروه‌های قومی کمرنگ شده و معنی فرهنگی به خود می‌گیرد و در آن مفهوم قومیت، گسترده شده و شامل گروه‌های نژادی، زبانی و مذهبی می‌شود. به این معنی همه گروه‌هایی که از لحاظ زبان، مذهب، رنگ، پوست و نژاد با گروه‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند، گروه‌های قومی قلمداد می‌شوند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۰)

جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان علم سیاست، جغرافی‌دانان و روان‌شناسان اجتماعی، هر گروه از منظری خاص به بررسی منازعات قومی پرداخته‌اند. برای نمونه، جامعه‌شناسان برای تبیین بحران‌های قومی

هویت خود را در هم خونی، هم نژادی، هم زبانی، هم دینی، زیستن و بارآمدن در بستر فرهنگ قومی و گذشته اجتماعی، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی مشترک می‌جویند، مجموعاً برآیندی را ایجاد می‌کند که حاصل آن تشکیل هویت قومی، تقویت همبستگی، یگانگی و انسجام قومی است. این برآیند از لحاظ سیاسی به نیرویی تبدیل می‌گردد که معطوف به قدرت بوده و خواهان تشکیل دولت مستقل است و قومیت آنان را تحقق می‌بخشد (استقلال طلبی) و از نظر فرهنگی به دنبال رسمیت به ارزش‌های فرهنگی و قومی خود است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۳).

جغرافی‌دانان قلمرو جغرافیای سیاسی هر قوم، شکل هندسی کشور، ناهمواری‌ها، ارتفاعات، عوارض طبیعی صعب‌العبور که مانع برقراری ارتباطات میان بخش‌های مختلف کشور می‌گردد، همچنین تفاوت‌های محیطی و تأثیر آنها بر هویت و همبستگی ملی و قومی را مدنظر قرار می‌دهند. آنها همچنین نگرش اقوام و گروه‌ها به ملیت و قومیت خود و دیگران و اینکه احساسات قوم مدارانه یا ملی‌گرایانه به چه نحوی در موقعیت‌های مختلف میان افراد و میان گروه‌ها بروز می‌کند را مطالعه می‌کنند.

در حالی که از نظر روان‌شناسان اجتماعی، مطالعه چالش‌ها و گرایش‌های قومی اصالت دارد. اینان با تمرکز بر افراد و تعاملات بین گروه‌های کوچک، در پی یافتن شیوه‌هایی هستند که مردم، گروه‌ها و ملت‌ها را به هم نزدیک می‌سازند. همچنین در رویکرد روان‌شناسی اجتماعی رابطه فرد با نظام سیاسی، دولت و قومیت خود و مقوله نیاز از جمله مفاهیمی اند که مورد توجه قرار دارند. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۰۶ -

عمدتاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی، توزیع نابرابر و غیرعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی تأکید نموده‌اند. جامعه‌شناسی به عنوان علم مطالعه جامعه یا زندگی اجتماعی برای شناخت و تبیین هنجارهای رفتاری و مناسبات موجود در کردار جمعی انسان‌ها، شرایط اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. شرایط اجتماعی که بر شیوه‌های کنش، واکنش و اندیشه افراد اثر می‌گذارند بسیارند که برخی از اینها عبارتند از: وضع خانوادگی، سکونت در شهر یا روستا، عضویت در گروه‌های خاص دینی، قومی، نژادی و زبانی، تعلق به گروه‌های ممتاز یا محروم اجتماعی و مشارکت در یک سنت فرهنگی (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۸۷ - ۸۰).

نظریه‌پردازان علم سیاست بیشتر بر نقش نخبگان و رهبران فکری و قومی در ایجاد همبستگی و هویت‌سازی قومی و ابعاد سیاسی بحران‌های قومی تأکید داشته و مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و علایق قومی را مورد توجه قرار داده‌اند. در بررسی زمینه‌های بروز بحران‌های قومی از منظر علوم سیاسی به عنوان علم قدرت، عوامل و عناصر متعددی مورد توجه این رشته قرار می‌گیرند که می‌توان به تضعیف الگوی دولت-ملت، کاهش قدرت حکومت مرکزی، نقش دموکراسی، کثرت‌گرایی، فدرالیسم، خودمختاری، ناسیونالیسم قومی، سلطه‌طلبی و قطبی شدن جامعه، عدم استقرار جامعه مدنی و نظام شهروندی اشاره کرد. برای نمونه، از نظر آنتونی اسمیت ریشه و منشأ قوم‌مداری و مرکزگرایی و شکل‌گیری نهضت‌های جدایی‌طلبی قومی ناشی از تمایل و نیاز جامعه قومی به کسب هویت قومی خود و رسمیت بخشیدن به آن است. وجدان قومی که

جمعی را به وجود آورد که در مقابل دیگر اجتماعات، هویتی مستقل می‌یابد در صورتی که نظام سیاسی این هویت را مورد تهدید قرار دهد گروه قومی برای احیای این هویت جنبش قومی غالباً خشن خود را سامان می‌دهد (ترابی، ۱۳۹۰: به نقل از سایت جنگ نرم).

نظریه بحران هویت ما را به این نتیجه می‌رساند که تحرک قومی و سازماندهی جنبش‌های قومی بیش از هر چیز محصول شکاف هویتی است که بین مرکز و پیرامون و به دلیل سیاست‌های متخذه از سوی مرکز ایجاد می‌شود. شکاف بین مرکز و پیرامون در صورتی هویتی است که پیوند با دولت در تعارض با پیوند قومی قرار گیرد. و فرد احساس کند که پیوند با دولت با هویت قومی او در تضاد است. در چنین وضعیتی گروه‌های قومی برای دفاع از هویت قومی خود گرد هم می‌آیند و در جنبش‌ها و تحرکاتی که به نام قومیت صورت می‌گیرد شرکت می‌کنند. با توجه به اینکه تقاضای احیای هویت قومی کمتر قابل مذاکره است. جنبش‌های مبتنی بر آن می‌تواند به آسانی به سوی معارضة با کل نظام سیاسی سوق یابد و تغییر آن را هدف قرار دهد. فراموش نکنیم که چنین جنبش‌هایی از آنجا که فراطبقاتی هستند به آسانی قشرهای مختلف اجتماعی یک قوم را بسیج کرده و مبدل به جنبش‌های قومی فراگیر می‌شوند (ترابی، ۱۳۹۰: به نقل از سایت جنگ نرم).

نظریه فرهنگی تمرکز اصلی خود را بر مسائل فرهنگی مرتبط با بحران‌های قومی می‌گذارد. در کتاب فرهنگ که یکی از اسناد مهم نظری یونسکو در تبیین وجوه مختلف تنوع فرهنگی است شروط تحقق جامعه متکثر فرهنگی و دستیابی به آرامش را در سطوح ملی چنین برشمرده است: (۱) اجتماعات مختلف فرهنگی

(۹۵). برای نمونه جان دولارد^۱ در نظریه ناکامی-ستیزه‌جویی خود، ستیز تضادهای قومی و نژادی را از رقابت میان گروه‌های مختلف بر سر منابع کمیاب، مانند: ثروت، قدرت و مقام ناشی می‌داند. از نظر وی، گروهی که در این رقابت و تضاد پیروز می‌شود گروه غالب و سایر مدعیان گروه‌های اقلیت نامیده می‌شوند. (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۳ - ۹۲)

بحران هویت الگوی اصلی تحلیل روان‌شناختی جنبش‌های اجتماعی مولد روح جمعی گوستاو لوبون^۲ از خاورپژوهان بلند پایه فرانسوی است. وی معتقد بود فرد در حرکت جمعی، در توده‌ها ذوب می‌شود و هویت فردی او در هویت جمعی حل می‌گردد و بدین ترتیب هویت جدیدی و روح نوین که همان روح جمعی است پدید می‌آید. در چنین حالتی اگر حرکت جمعی برخاسته از شکاف‌هایی باشد که قدرت بسیج بالایی دارند جنبش می‌تواند به آسانی به خشونت کشیده شود. به نظر می‌رسد که شکاف‌های هویتی قومی می‌توانند زمینه بسیار مساعدی برای تحرکات جمعی خشن فراهم کنند و در صورتی که نظام سیاسی، سیاست‌های مناسبی را اتخاذ نکند خواسته-های هویتی به راحتی بدل به جنبش‌های اجتماعی می‌گردند (ترابی، ۱۳۹۰: به نقل از سایت جنگ نرم)

ترابی (۱۳۹۰) به نقل از دویچ و واینر (از مشهورترین نظریه پردازان ارتباطات و نظریه سیاسی) با استفاده از مفهوم بحران هویت به تبیین حرکت‌های قومی پرداخته است و آن را متغیر توضیح دهنده تحرکات دانسته که غالباً نظام‌گریز و خشن هستند آنها معتقدند که تمسک به تاریخ جمعی ادیان و فرهنگ گذشته مشترک می‌تواند نوعی پیوند و همبستگی

1 - Dollard John
2 - Lebon Gostave

از نظر پارکه «تکثر» مفهومی عام است که از یک سو متضمن تنوع و از طرف دیگر حافظ وحدت اجتماعی است. وی معتقد است "جامعه باید از رهگذر تشویق اجتماعات فرهنگی به تشکیل فرهنگ متکثر ملی که بازتاب این اجتماعات و فراتر از آنهاست، وحدت را از بطن کثرت ایجاد کند. از آنجا که اجتماعات مختلف به خلق این فرهنگ مشترک یاری رسانده‌اند، قادر به همدلی با آن هستند و می‌توان انتظار داشت که به آن احساس تعلق و مباحثات کنند." پارکه توضیح می‌دهد که «تنوع فرهنگی» اگر ذیل «تکثر فرهنگی» لحاظ نشود نه تنها ارزش ذاتی بلکه کارکرد ابزاری خود را نیز از دست خواهد داد، زیرا در این صورت نوعی "عدم تجانس فرهنگی کور و بی‌هدف" خواهیم داشت که با چاشنی "نسبیت‌گرایی فرهنگی" مانع هر نوع اقدام ایجابی و سازنده خواهد بود. گروه‌های اقلیت «نژادی» یا قومی اشکال متفاوتی در ارتباط با جامعه اکثریتی که در آن زندگی می‌کنند، به خود می‌گیرند. بعضی از جوامع خود را «چندفرهنگی» می‌نامند و بعضی دیگر تک‌فرهنگی. به عقیده چندفرهنگ‌گرایان، به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی از طریق اعطای حقوق شهروندی چندقومی متمایز، به یکپارچگی کامل کمک می‌کند در حالی که مدل همانندسازی و جذب موجب محرومیت کسانی که با فرهنگ مسلط انطباق ندارند می‌گردد. نتیجه استدلال کسانی که مدل همانندسازی و جذب مهاجران را بر مبنای کمک آن به نژادپرستی جدید رد می‌کند این است که جوامع چندفرهنگی نیاز به حقوق شهروندی چندفرهنگی دارند. در بسیاری از کشورها، بویژه کشورهای جهان جدید نظیر ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزلند و همچنین بعضی از

دچار تبعیضات عملی یا غیرعملی جهت در اختیار داشتن فرصت‌های برابر برای شکوفایی نشوند. (۲) عدالت اجتماعی به معنی دسترسی مساوی اجتماعات اقلیت به قدرت سیاسی در آن تضمین شده باشد. (۳) نهادهای دولتی و خصوصاً قوای نظامی، انتظامی و قضایی از فشارهای قومی و مذهبی مصون باشند. (۴) هراس از تفاوت‌های فرهنگی از بین برود و همه طرف‌های تفاوت گرامی داشته شوند. (جعفری، ۱۳۸۸: ۴۵).

بررسی اسناد یونسکو نشان می‌دهد که در پایان دهه توسعه فرهنگی، تنوع فرهنگی فقط ابزاری برای دستیابی به اهداف آرمانی یونسکو نیست، بلکه خود را تا سطح یکی از اهداف و آرمان‌های اصلی یونسکو ارتقا داده است. بنابراین در ادبیات جدید، تنوع فرهنگی خود یک ارزش ذاتی و جهان شمول است که می‌تواند سایر ارزش‌های جهانی مثل صلح و توسعه پایدار را دربر داشته باشد. (جعفری، ۱۳۸۸: ۴۶).

جعفری به نقل از بیهو پارکه، استاد نظریه سیاسی دانشگاه‌ها، که مقاله او با عنوان "تعهد به کثرت‌گرایی فرهنگی" بخشی از کتاب قدرت فرهنگ یونسکو را به خود اختصاص داده است، ضمن تفکیک دو مفهوم «جامعه متنوع» و «جامعه متکثر» توضیح می‌دهد که اگرچه تنوع در ذات اکثر جوامع و کشورها وجود دارد ولی این لزوماً به معنی «متکثر» بودن آن جامعه نیست. تنوع فرهنگی وقتی مطلوب است که در جارجوب‌های هنجاری تکثر جریان یابد. تنها در این صورت است که در عین برخورداری بودن از مزایای «تنوع» از تبدیل شدن آن به «تفرقه» و «ازهم‌پاشیدگی اجتماعی» جلوگیری خواهد شد. (جعفری، ۱۳۸۸: ۴۷).

این نوع هستند. جوامع چندقومی جوامعی هستند که در آنها مهاجران در نهادهای عمومی فرهنگ مسلط مشارکت می‌کنند، اما بعضی از شیوه‌های متمایز زندگی‌شان را از نظر رسوم، مذهب، زبان، لباس، غذا و... حفظ می‌نمایند. ایالات متحده در اینجا نیز یک نمونه خوب است. از مهاجران انتظار رفته که با نهادهای انگلیسی‌زبان حوزه عمومی انطباق یابند و هر چند در حوزه خصوصی با مسامحه و تساهل با آنها برخورد شده لیکن تنها از دهه ۱۹۷۰ بیان میراث‌های فرهنگی متفاوت تشویق گشته است. کیملیکا استدلال می‌کند که این گروه‌ها همانند یک ملت به چنین حقوق گروهی متمایز گسترده‌ای احتیاج ندارند. هدف اصلی آنها این است که در جامعه چندفرهنگی که بخشی از آن هستند، جذب شوند و از احترامی برابر با دیگر شهروندان برخوردار گردند. به عقیده او گروه‌های اقلیت در یک جامعه چندقومی از حقوقی مشترک با همه شهروندان بهره‌مندند اما آنها باید از حقوق متمایز و ویژه‌ای نیز برخوردار باشند تا از مشکلات و ناراحتی‌هایی که به واسطه تفاوتشان با فرهنگ مسلط بدان دچار هستند و نیز از نژادپرستی ستیزه‌جو‌رهایی یابند (کیت نش، ۱۳۸۸: ۲۱۹ - ۲۱۷).

کیملیکا استدلال می‌کند که برخلاف آنچه طرفداران همانندسازی از آن وحشت دارند حقوق فرهنگی خاص به هیچ وجه به شقاق و گسیختگی جامعه منجر نمی‌شود، بلکه اقلیت‌ها را قادر می‌سازد تا بطور کامل در یک جامعه چندفرهنگی مشارکت نمایند. به علاوه، به ندرت اتفاق می‌افتد که گروه‌های اقلیت قومی خواستار اعمال «محدودیت‌های درون‌گر» و برخورداری از قدرت قانونی تحمیل هنجارهای فرهنگی بر اعضایشان شوند. کیملیکا متذکر می‌شود، ادعای حضور در فرایندهای سیاسی بر مبنای

کشورهای اروپای شمالی مانند بریتانیا، اسکاتلند، هلند، بلژیک و سوئیس مدل همانندسازی و جذب شهروندی اکنون عملاً جای خود را به چندفرهنگ‌گرایی داده است (کیت نش، ۱۳۸۸: ۲۱۴ - ۲۱۳).

ویل کیملیکا بعنوان یکی از طرفداران برجسته چندفرهنگ‌گرایی استدلال نموده که این فرهنگ (سنت‌ها، تاریخ و زبان) است که به انتخاب‌ها معنی می‌دهد و آنها را برای ما قابل درک، واضح و مطلوب می‌سازد. بنابراین تفاوت‌های فرهنگی باید به نام آزادی بیان پذیرفته و محافظت شوند کیملیکا دو نوع چندفرهنگ‌گرایی را تحلیل می‌کند که هر یک با توجه به حقوق متمایز گروهی در دموکراسی‌های لیبرال اکنون موضوعات متفاوتی می‌باشند. او اولین نوع را «چندملی‌گرایی» می‌نامد. جوامع چندملیتی دربردارنده اقلیت‌هایی هستند که تحت شرایطی متفاوت در گذشته حکومت‌هایی برای خود تاسیس نموده بودند اما بعداً، خواه به صورت داوطلبانه از طریق فدراسیون و خواه به واسطه تسخیر، در یک دولت واحد جذب شده‌اند. او استدلال می‌کند که ایالات متحده از این نوع است و شامل سرخپوستان آمریکایی، پورتوریکویی‌ها، مکزیکی تبارها، هاوایی‌ها و دیگران می‌باشد. این گروه‌ها نوعاً خواستار برخورداری از حق تشکیل انواعی از حکومت خودگردان به عنوان یک ملت جدا هستند. برای مثال «کبک» چنین وضعیتی در کانادا دارد، که از طریق تقسیم فدرالی اختیارات، از اختیارات ایالتی گسترده‌ای در مورد زبان، فرهنگ، آموزش و مهاجرت برخوردار شده است (کیت نش، ۱۳۸۸: ۲۱۷ - ۲۱۴).

کیملیکا نوع دوم چندفرهنگ‌گرایی را «چندقومی» می‌نامد. جوامعی که به آنها مهاجرت صورت گرفته از

تفاوت فرهنگی با درخواست خودگردانی یا حقوق متمایز گروهی مترادف نیست، بلکه حق حضور در فرایندهای سیاسی این فرصت را در اختیار اقلیت‌ها می‌گذارد که عقایدشان را به گوش دیگران برسانند، یعنی عقایدی که در صورت عدم برخورداری اقلیت‌ها از این حقوق و فرصت‌ها به گونه‌ای سیستماتیک مورد غفلت قرار می‌گیرد (کیت نش، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

هویت آذربایجانی

آذربایجان بعنوان منطقه وسیعی که شامل چندین استان می‌شود در شمال غربی ایران واقع شده و با ترکیه در غرب و ارمنستان و جمهوری آذربایجان در شمال هم مرز است و در حال حاضر به چهار استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و استان زنجان تقسیم شده است. در سال‌های دور تا پیش از حکومت پهلوی، قزوین و همدان نیز بخشی از آذربایجان بودند که در تقسیم‌بندی‌های استانی به استان‌های جداگانه‌ای تقسیم شده‌اند. اما تخمین جمعیت آذری‌های ایران که به زبان ترکی صحبت می‌کنند کار آسانی نیست زیرا در سراسر ایران پراکنده شده و با دیگر اقوام ایرانی چنان آمیخته‌اند که ترسیم مرز دقیق جغرافیایی میان آذری‌ها و دیگران بسیار مشکل شده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۱) به دلیل خودداری سازمان آمار کشور از جمع‌آوری و ارائه آمار رسمی اقوام در سرشماری عمومی، تخمین‌های متفاوت و بعضاً ادعاهای شگفت‌آوری درباره جمعیت اقوام و این قوم صورت گرفته است. بنا به گزارش سازمان قوم‌شناسی، از میان ۷۷ زبان یا گویش مختلف قومی در جغرافیای هویت ایرانی به استثنای اوستایی و ماندایی که دیگر کاربردی در ایران کنونی ندارد تعداد

۷۵ زبان و گویش همچنان در این جغرافیای بزرگ هویتی بکار برده می‌شود که نمونه‌های مشهور آنها عبارتند از: فارسی ۲۵ میلیون نفر، آذربایجانی ۲۳ میلیون، کردی ۶ میلیون نفر، مازندرانی ۳ میلیون نفر، گیلکی ۳ میلیون نفر، لری ۲ میلیون نفر، ترکمن ۲ میلیون نفر، خوزی ۱ میلیون نفر، بلوچی ۱ میلیون نفر، بختیاری ۱ میلیون، هزارجی ۲۸۰ هزار نفر، عربی خلیج فارس ۲۰۰ هزار نفر، تاتی ۲۲۰ هزار نفر، ارمنی ۱۷۰ هزار نفر، آیماق با ۱۷۰ هزار، پشتو ۱۱۳ هزار، طالش ۱۱۰ هزار نفر، گرجی ۵۰ هزار، خلجی ۴۰ هزار نفر، آسوری ۲۰ هزار نفر، دری ۱۵ هزار نفر. (www.ethnologue.com) به این ترتیب تعداد آذری‌های ایران که ابوطالبی (۱۳۷۸: ۱۲۵) تعدادشان را از "قوم حاکم" بیشتر می‌داند، یکی از مهمترین و بزرگ‌ترین اقوام ایران هستند.

بر این اساس و از نظر فرهنگی و زبانی مردم این منطقه با اقوام دیگر ایران زمین متفاوت هستند و مردم آن هر چند دلبستگی خود را به فرهنگ و زبان رسمی کشور (فارسی) نشان داده‌اند، اما از دلبستگی و وابستگی کامل به زبان و فرهنگ خود نیز هرگز دریغ نورزیده‌اند. (هیأت، ۱۳۸۰: ۳۹۲ - ۳۹۱) زبان ترکی دست کم در هزار سال گذشته در برخی دوره‌ها به همراه فارسی و اغلب بدون آن، یکی از زبان‌های رسمی و دولتی دولت‌های ترکی حاکم بر اراضی ایران امروزی بوده و در صدور فرمان‌ها، مکاتبات نهادهای گوناگون دولتی، انتشارات و اسناد و مدارک رسمی دولتی و مکاتبات بین‌المللی غزنویان، خوارزمشاهیان، سلجوقیان، اتابکان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان، افشاریان و قاجاریان بکار رفته است. اوج حضور زبان ترکی به عنوان زبان رسمی و دولتی درباریان و شاهان

سال‌های توسعه و اصلاح اقتصادی تحت حکومت محمدرضا شاه پهلوی، فشارهای خود را برای استقلال بیشتر و دریافت اعتبارات بیشتر از دولت مرکزی، ادامه دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، بار دیگر تمایل استقلال‌طلبی ترک‌زبانان در کانون توجه قرار گرفت و فعالیت گروه‌های مخالف و تجزیه‌طلب در مناطق قوم‌نشین به بحران‌هایی دامن زد ولی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران موجب همراهی اقوام برای دفاع از ایران گردید. در دوران بازسازی سعی در محرومیت‌زدایی و فعالیت‌های عمرانی و گسترش زیربنای اقتصادی شد و پس از آن جامعه مدنی شکل گرفت (ویکز، ۱۳۸۳: ۲۵).

ترک‌زبانان آذربایجان پیشگام انقلاب مشروطه سال ۱۲۸۵ ه. ش (۱۹۰۶ م) بودند که به دنبال تاسیس دولتی پارلمانی، محدود کردن زیاده‌طلبی‌های قاجارها و تحدید نفوذ اجانب در امور تجاری و سیاست داخلی ایران بود. سرداری نیا (۱۳۷۷) به نقل از امیرارجمند عنوان می‌کند "این که هم مشروطه‌خواهی و هم اصطلاح «مشروطه» برای تعریف «حکومت محدود» در مقابل «حکومت مستبد» و هم اصطلاح قانون اساسی، از امپراطوری عثمانی و در واقع از تبریز به ایران آمد، روشن است." سرداری نیا (۱۳۷۷) همچنین به نقل از قاسمی عنوان می‌کند "در واقع تبریز بود که متمم قانون اساسی را که از لحاظ تصریح حقوق خلق، بسی گرانیه‌تر از خود قانون اساسی است گرفت." اولین نمایندگان پارلمانی که از تبریز انتخاب شدند، هسته حزب ملی‌گرایی را در مجلس تشکیل دادند (ویکز، ۱۳۸۳: ۲۶ - ۲۵).

تا پایان دوره قاجاریه، کشور ایران هرگز یک زبانی و یک فرهنگی را چه در سطح دولتی و به صورت رسمی، و چه در سطح ملت و به صورت ملی تجربه

در دربارهای دوره صفوی و قاجار بود که زبان آریستوکراسی و اعیان و اشراف نیز بشمار می‌رفت. (بهارلی، ۱۳۸۶)

قبل از استقرار دولت مدرن در ایران، تمایز دولت از اقوام آسان نبود، زیرا سران اقوام و قبایل در ساختار دولت حضور داشتند و دولت و اقوام ایرانی به یکدیگر وابسته بودند و نظام واحدی را تشکیل می‌دادند که هویت ایرانی بود. دولت برای بسیج سپاه و اخذ مالیات و عوارض و تأمین امنیت مرزها متکی به گروه‌های قومی بود و گروه‌های قومی نیز در قدرت دولتی سهم بودند و از آن متففع می‌شدند و اگر تعادل میان آن دو به هم می‌خورد مجدداً این تعادل برقرار می‌شد، اما با آغاز نوگرایی در ایران که از عصر قاجار شد و در عصر انقلاب مشروطه و به ویژه در زمان حکومت پهلوی شدت بیشتری یافت (خسروی، ۱۳۷۷) و با تکیه بر سه اصل سکولاریسم، توسعه صنعتی در مرکز و وابستگی به بیگانگان، وضعیت قومی کشور را بشدت متلاطم ساخت (عصاریان نژاد، ۱۳۸۳).

شروع حوادث و بحث درباره قومیت و مطالبات آنها در قرن حاضر به تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ در تبریز توسط جعفر پیشه‌وری برمی‌گردد. در آن زمان، زبان ترکی به موازات زبان فارسی در آذربایجان رسمیت یافت و تدریس به زبان مادری در مدارس آغاز شد. در این دوران دانشگاه تبریز نیز تاسیس و ایستگاه فرستنده رادیو ساخته شد. در دانشگاه زبان و ادبیات آذربایجان تدریس می‌شد و از رادیو نیز به عنوان وسیله ارتباط جمعی برنامه‌ها به زبان ترکی پخش می‌شد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۳). ترک‌زبانان آذری در طول دوران سیاست‌های ملی‌گرایانه مصدق ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ ه. ش و متعاقباً

نکرده بود؛ تنها پس از حاکمیت رضاخان و استحکام پایه‌های حکومت استبدادی وی بود که تدریس و تحصیل تنها یک زبان در ایران، و ممنوع و قدغن شدن تدریس و تحصیل دیگر زبان‌ها در دستور کار قرار گرفت (راشدی ۱۳۸۶: ۱۷-۱۶).

پروژه حاکمیت مطلق و بی‌چون و چرای زبان و فرهنگ فارسی در ایران، همراه با بی‌توجهی اقتصادی به مناطق غیرفارس که از زمان رضاخان آغاز شده بود در زمان پهلوی دوم هم ادامه پیدا کرد. در دوران حاکمیت ۵۳ ساله خاندان پهلوی چاپ و انتشار آثار نظم و نثر ترکی به جز در دوران یک ساله حاکمیت فرقه دموکرات در آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری در سال ۱۳۲۴، که ترکی زبان رسمی آذربایجان شد ممنوع گردید و کسانی که حتی با زبان فارسی، از زبان و فرهنگ ترکی سخن به میان می‌آوردند به میز محاکمه کشیده می‌شدند. به نقل از جان فوران^۱ نویسنده کتاب مقاومت شکننده «سرکوب اقوام توسط پهلوی باعث شد که بسیاری از قبایل به آگاهی سیاسی دست یابند و هویت خویش را در رابطه با مسیر کوچ، فرهنگ، رسوم و سنت‌ها و زبان جستجو کنند. اقلیت‌های قومی به مفهومی یک ائتلاف واقعی در برابر روند (فارسی‌سازی) رژیم به وجود آورند.» (راشدی ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰).

چلبی (۱۳۷۸) به نقل از نجف‌قلی پسیان علل تشکیل حزب دموکرات را به دو دسته علل داخلی و خارجی تقسیم می‌کند. علل خارجی آن این گونه نقل شده است که: "مأموران همسایه شمالی از دیرباز آرزو داشتند از چاه‌های نفتی و منابع شمال و شمال غرب ایران، همان‌گونه که انگلیسی‌ها در جنوب این کشور

بهره‌برداری می‌کنند، استفاده نمایند، مخصوصاً که خرابی بسیاری بر اثر جنگ به معادن نفت قفقاز وارد آمده بود. در باب علل داخلی شکل‌گیری حزب دموکرات آذربایجان وجود عقب‌ماندگی اقتصادی، نابرابری در فرصت‌ها و دستیابی به امکانات، شکاف طبقاتی، فقر و محرومیت و رفتار نامناسب مأموران دولتی با مردم می‌توان اشاره کرد." در بیانیه حزب دموکرات آذربایجان که از سوی پیشه‌وری در دوازدهم شهریور ماه ۱۳۲۴ منتشر شده بود منسوخ کردن زبان فارسی و تعمیم زبان ترکی به کل آذربایجان به عنوان زبان رسمی، خودمختاری آذربایجان و حق ایجاد حکومت ملی و حاکمیت ملی در آذربایجان خواسته شده بود (افشار سیستانی، ۱۳۷۹، ۵۲۷)

ترک‌زبانان آذربایجان در طول دوران سیاست‌های ملی‌گرایانه مصدق ۱۳۳۱-۱۳۳۲ ه. ش (۱۹۵۲-۱۹۵۱م) و متعاقباً سال‌های توسعه و اصلاح اقتصادی تحت حکومت محمدرضا شاه پهلوی، فشارهای خود را برای استقلال بیشتر و دریافت اعتبارات بیشتر از دولت مرکزی، ادامه دادند. نهضت‌های ملی‌گرایی در آذربایجان به عمل آمدند و بسیاری از رهبران جبهه ملی، آذری بودند. مردانی مانند مهدی بازرگان که بعدها بعد از سقوط شاه، نخست‌وزیر انقلاب اسلامی شد و رحمت‌الله مقدم، عضو لیبرال انجمن متخصصان و نخستین استاندار آذربایجان در دولت وی، آذری‌هایی با ریشه‌های عمیق خانوادگی در آذربایجان بودند. (ویکز، ۱۳۸۳: ۲۵)

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه. ش (۱۹۷۸م)، بار دیگر ملی‌گرایی ترک‌زبانان آذربایجان و تمایلاتشان به استقلال‌طلبی را در کانون توجه قرار داد. در مراحل ابتدایی انقلاب، زمانی که اعتراضات مردمی علیه شاه

^۱ - Foran Johan

انقلاب، روشنفکران و فعالان قومی بخاطر عدم رعایت حقوق اقوام و برآورده نشدن مطالبات آنها از طرف حاکمیت دوباره فعالیت خود را شروع کردند. فعالیت‌های نخبگان فرهنگی و علمی در دهه ۱۳۷۰ در قیاس با ۶۰ سال قبل از آن گویای شکل‌گیری حرکتی فرهنگی با گسترش تدریجی آن بود. تالیف‌صدها کتاب درباره زبان ترکی آذربایجانی، تاریخ آذربایجان و ترک‌های ایرانی، موضوعات مختلف فرهنگی، شخصیت‌ها و موسیقی گویای شروع فعالیت‌های اقوام بود (راشدی، ۱۳۸۶: ۵۶).

فعالیت‌های هویت‌گرایی جمعی دانشجویان و برخی تحصیل‌کردگان از سال ۱۳۷۴ هنگامی شروع شد که بخش افکارسنجی یکی از نهادها و احتمالاً صدا و سیما، در یک نظرسنجی از مراکز ۲۰گانه آموزش و پرورش تهران از دانش‌آموزان تهرانی درباره نظرشان نسبت به ترک‌زبانان جويا شده بود. در این نظرسنجی پرسش شده بود اگر همسایه شما یک ترک باشد، آیا شما احساس راحتی می‌کنید؟ آیا شما حاضرید خواهرتان با یک ترک زبان ازدواج کند؟ در مخالفت با این نظرسنجی ابتدا در دانشگاه تهران و بعد از آن دانشجویان دانشگاه‌های آذربایجانی اعتراض خود را از سطح دانشگاه به داخل شهر و در روز جمعه نیز دامنه اعتراض را به نماز جمعه کشاندند که برای اولین بار حرکت دانشجویان را در قبال یک مساله قومی نشان می‌داد و مهمتر اینکه این حرکت به عنوان یک پدیده سیاسی و مساله قومی در شهرهای آذربایجان و کشور مطرح شد که نقطه عطفی بود برای آغاز برخی حرکت‌های هویت‌خواهی و خودآگاهی قومی (راشدی، ۱۳۸۶: ۵۷).

با روی کار آمدن دولت خاتمی در سال ۱۳۷۶ تا حدودی زمینه آزادی بیان و عقیده فراهم گردید و با

می‌رفت تا سراسر ایران را فراگیرد، آشوب‌های تبریز به رهبری آیت‌الله شریعتمداری در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به اوج خود رسید و طی آن اعتراضات را بر مسائل حقوق انسانی متمرکز کردند. افراد آذری دیگری مانند بازرگان و مقدم، از طریق جنبش‌های مخالفی مانند نهضت آزادی و جبهه آزادی، خواستار رعایت اصول حقوق بشر در حکومت شاه و آزادی بیشتر و شرکت فعالانه‌تر در عرصه سیاست بودند. (ویکز، ۱۳۸۳: ۲۶)

بعد از انقراض سلسله پهلوی، گروهی از ترک‌زبانان آذربایجان خود را در تقابل با سیاست‌های دولت جدید یافتند و مخالف دست‌یازی افراد و مقامات فارسی‌زبان انقلابی به حکومت محلی آذربایجان بودند. در سال ۱۳۵۸ به دنبال مقاله صادق خلخالی با عنوان «بهانه‌ها را از دست دشمنان باید گرفت» که در آن به آیت‌الله شریعتمداری توهین و به اطرافیان وی نسبت ساواکی داده شده بود، در آذرماه ۱۳۵۸ هـ ش (دسامبر ۱۹۷۹م) آشوب‌هایی در تبریز بر سر مساله قانون اساسی و خودمختاری ظاهر شد. از آنجایی که تظاهرات تبریز تحت لوای آیت‌الله شریعتمداری برپا می‌شد و وی خواستار انتصاب مجدد رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای به عنوان استاندار آذربایجان شرقی بود، نظام انقلابی، نظر مساعد خود را از این دو نفر برگرداند. شریعتمداری در منزل خود در قم خانه نشین و از دسترسی به رسانه‌ها و پیروان آذری خود، محروم ماند و مقدم مراغه‌ای علیرغم حمایت‌های اولیه خود از نظام سیاسی از کشور خارج شد (ویکز، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۲۷). بخش‌هایی از حاکمیت مرکزی احتمالاً با اعطای آزادی‌های بیشتری به اقلیت‌های قومی موافق بود، اما شرایط انقلاب و جنگ و احتمال فرصت طلبی بیگانگان از شرایط نابسامان مانع از تحقق این امر می‌شد. بعد از پایان جنگ و گذشت یک دهه از

دویست هزار نفر از این تعداد از اردبیل بود (راشدی، ۱۳۸۶: ۶۴)

مهمترین رویداد سال‌های اخیر آذربایجان، جریان‌های خرداد ۸۵ بود که باید آن را ثمره سال‌ها تلاش فعالان حرکت ملی دانست. موضوع کاریکاتور روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت، در سال ۱۳۸۵ و متعاقب آن اعتراض‌های ترک‌زبانان ایران از آذربایجان گرفته تا تهران و همدان و نحوه برخورد دولت با این پدیده نشان داد که شکاف قومی-زبانی نیمه‌فعال موجود در جامعه ایرانی با عدم مدارا و دگرپذیری حکومت شدیداً قابلیت فعال شدن را دارا بوده و می‌تواند در برخورد و هم‌افزایی با شکاف دیرینه مرکز-پیرآمون که از دوره قاجار به این سو همواره توسط دولت‌های مرکزی عمیق و عمیق‌تر شده است، به بحران‌های سیاسی و اجتماعی بسیار وسیعی منجر گردد. بنابراین لازم است دولت برای حل این مسأله در راستای افزایش وحدت و انسجام ملی و عمل به تکلیف خود، به این گسست‌ها توجه نموده و با عمل به اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی و توزیع عادلانه منابع و ثروت و امکانات بر اساس آمایش سرزمین، به مطالبات قانونی و به حق اقوام ایرانی پاسخ مثبت دهد (پناهی، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷)

التهاب دیگر در میان قوم آذری از سوی نشریه‌ای دیگر بنام نشریه جوان باعث گردید. این نشریه در شماره ۲۳ آبان ۱۳۹۰ در ضمیمه طنز خود با کشیدن کاریکاتوری و در مطلبی با عنوان «پیر پیل افکن» دوباره به ترکان آذربایجان توهین کرد. این قبیل توهین‌ها که از سوی دستگاه‌ها و نشریه‌های دولتی صورت گرفته بود برخی از نویسندگان آذری را برآن داشته بود تا این نوشته‌ها را دنباله کار سیاست‌های

تصویب و اجرای قانون شوراها، فضای فعالیت‌های قومی بازتر شد. همزمان با این تحولات، روشنفکران و فعالان قومی و روزنامه نویسان اردبیل نیز تلاش خود را آغاز کرده و به فعالیت‌هایی در زمینه فرهنگ بومی و قومی پرداختند. آنها به ویژه از طریق مطبوعات که در آن زمان تنها وسیله برای معرفی فرهنگ و بیان عقایدشان بود روی آوردند. اما این روند چندان طولی نکشید و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری توقیف شدند. (مصاحبه با فعالان)

به مناسبت تولد بابک خرم‌دین، از دشمنان سرسخت خلافت عباسی، تجمعی تا سال ۱۳۷۸ به صورت محدود برگزار می‌شد که عمدتاً شامل برخی فعالان دانشجویی و جمعیت‌های علاقه‌مند به فعالیت‌های فرهنگی می‌شد، اما در سال ۱۳۷۹ این تجمع، وضعیت فراگیرتری پیدا کرد و به سطح عموم جامعه گسترش یافت. در این سال طبق گزارش‌های مختلف، جمعیت حاضر در قلعه بین ۳۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده شد و در سال بعد؛ یعنی در ۱۵ تیرماه ۱۳۸۰، از یکصد تا دویست هزار نفر بالغ شد. همچنین در ۱۴ تیرماه ۱۳۸۱ میزان استقبال و حضور مردم در قلعه بابک که نمادی از هویت‌خواهی فزاینده و توسل به شخصیت‌های آذربایجانی محسوب می‌شود، افزایش چشمگیری یافت و طبق گزارش‌ها و اخبار مختلف، بیش از دویست هزار نفر در این روز به قلعه بابک عزیمت کردند بحران‌ها و تجمعاتی که حدود شش سال بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴ (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵) همه ساله در روزهای ۱۴ و ۱۵ تیرماه در قلعه بابک اتفاق افتاد که نقطه اوج آن در سالهای ۸۲ و ۸۳ که حدود ۱/۵ میلیون نفر از استان‌های آذربایجان و مناطق ترک نشین از جمله تهران به آنجا رفتند. حدود

که به مدت شش ماه در سال ۱۳۹۰ تماماً به اجرا درآمد.

بررسی سیمای پاسخگویان نشان می‌دهد که ۸۲ درصد پاسخگویان را مردان و ۱۸ درصد دیگر را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر سنی ۱۴/۱ درصد پاسخگویان را گروه سنی ۲۵ - ۲۰ سال، ۲۲/۵ درصد را گروه سنی ۳۰ - ۲۶ سال، ۱۹/۷ درصد را گروه سنی ۳۵ - ۳۱ سال، ۲۵/۴ درصد را گروه سنی ۴۰ - ۳۶ سال، ۱۲/۷ درصد را گروه سنی ۴۵ - ۴۱ سال و ۵/۶ درصد گروه سنی را ۴۶ و + تشکیل داده‌اند. از نظر وضع تاهل، ۷۴/۶ درصد از افراد نمونه متاهل و ۲۵/۴ درصد نیز مجرد بوده‌اند. از نظر فعالیت، ۴۳/۷ درصد کارمند، ۲۵/۴ درصد آزاد، ۵/۶ درصد بیکار، ۱۲/۷ درصد استاد دانشگاه، ۲/۸ درصد بازنشسته و ۹/۸ درصد سایرین هستند. از نظر تحصیلی ۴۳/۷ درصد پاسخگویان را لیسانس، ۴۴/۶ درصد را فوق لیسانس، ۸ درصد را دکتری و ۳/۷ درصد را سایرین تشکیل داده است. از نظر محل سکونت ۶۱/۵ درصد پاسخگویان در استان اردبیل، ۱۳/۶ درصد پاسخگویان در مشکین شهر، ۸ درصد پاسخگویان در شهر پاس‌آباد، ۵/۶ درصد پاسخگویان در شهر خلخال، ۴/۷ درصد پاسخگویان در شهر گرمی، ۳/۳ درصد در شهر سرعین، ۲/۳ درصد پاسخگویان در نمین و یک درصد پاسخگویان در شهر نیر زندگی می‌کنند.

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان به تفکیک جنس

(فراوانی/درصد)

ردیف	جنس	فراوانی	درصد
۱	مرد	۱۷۵	۸۲
۲	زن	۳۸	۱۸
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

رژیم پهلوی در "مخالفت با آذربایجان" بیندارند و حتی به نقل جلال آل‌احمد آذربایجان را مستعمره تهران جلوه دهند (براهنی، ۱۳۸۴: ۸۴)

یافته‌های میدانی

همچون هر پدیده اجتماعی دیگری، در ایجاد درگیری‌ها و بحران‌های قومی نیز عوامل متعددی نقش دارند که از جمله اینها به می‌توان به عوامل داخلی و عوامل خارجی اشاره کرد. اما برای بررسی نقش هر یک این عوامل در ایجاد درگیری‌ها و بحران‌های قومی استان اردبیل به عنوان مطالعه موردی و احتمالاً تأثیرگذاری بیشتر یکی بر دیگری، لازم بود پرسشنامه ساخت پژوهشگر طراحی شود و در یک پیمایش میدانی به میان مردم جامعه رفت. در میان عوامل داخلی، تبعیض در ارائه منابع و منافع اقتصادی به مناطق و استان‌های قومی نسبت به استان‌های مرکزی، توهین نسبت به ترک‌زبانان در رسانه‌ها و مطبوعات، سیاست‌های تمرکزگرایی دولت در قبال اقوام و عدم توجه به فرهنگ و ارزش‌های اقوام، همچنین مساله زبان و عدم آموزش به زبان مادری (ترکی آذری) در مدارس مورد پرسش قرار گرفت و نسبت به تأثیر عوامل خارجی نسبت سنجی شد. گفتگو با افراد مطلع جامعه آماری شامل کارشناسان علوم سیاسی، جامعه شناسان و کارشناسان مسایل قومی و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه شامل سؤالات بسته و باز تنظیم شده بود که در اختیار بیش از پانصد نفر از کارشناسان قرار گرفت؛ البته بیش از نیمی به دلیل محافظه‌کاری و نگاه امنیتی به موضوع قومیت، از پاسخ به پرسش‌ها خودداری کرده و پرسش‌نامه را باز نگرداندند. به این ترتیب تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه متکی بر ۲۱۳ مورد است

جدول شماره ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب سن و به تفکیک جنس (فراوانی / درصد)

سن جنس	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹	۵۰+	جمع	
								فراوانی	درصد
مرد	۲۳	۳۸	۳۶	۵۰	۱۸	۱۰	۱۷۵	۱۰/۸	۱۷/۸
	۷	۱۰	۶	۴	۹	۲	۳۸	۳/۳	۴/۷
زن	۳۰	۴۸	۴۲	۵۴	۲۷	۱۲	۲۱۳	۱۴/۱	۲۲/۵
	۳	۷	۲	۹	۲	۱	۱۸	۲۵/۴	۱۹/۷
جمع	۳۰	۴۸	۴۲	۵۴	۲۷	۱۲	۲۱۳	۲۵/۴	۲۲/۵
	۱۴/۱	۲۲/۵	۱۹/۷	۲۵/۴	۱۲/۷	۵/۶	۱۰۰	۴۳/۷	۴۴/۶

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب تاهل و به تفکیک جنس (فراوانی / درصد)

وضع تاهل جنس	مجرد	متاهل	جمع	
			فراوانی	درصد
مرد	۴۵	۱۳۰	۱۷۵	۲۱/۱
	۹	۲۹	۳۸	۶۰/۹
زن	۵۴	۱۵۹	۲۱۳	۴/۳
	۷	۷۴	۱۰۰	۱۳/۷
جمع	۵۴	۱۵۹	۲۱۳	۲۵/۴
	۷	۷۴	۱۰۰	۱۳/۷

جدول شماره ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب وضع فعالیت و به تفکیک جنس (فراوانی / درصد)

وضع فعالیت جنس	کارمند	آزاد	بیکار	استاد دانشگاه	بازنشسته	سایر	جمع	
							فراوانی	درصد
مرد	۷۴	۵۲	۷	۲۱	۴	۱۷	۱۷۵	۳۴/۷
	۱۹	۲	۵	۶	۲	۴	۳۸	۲۴/۴
زن	۹	۱	۲	۲	۱	۱	۱۸	۹/۳
	۹۳	۵۴	۱۲	۲۷	۶	۲۱	۲۱۳	۲۵/۴
جمع	۹۳	۵۴	۱۲	۲۷	۶	۲۱	۲۱۳	۲۵/۴
	۴۳/۷	۲۵/۴	۵/۶	۱۲/۷	۲/۸	۹/۸	۱۰۰	۴۳/۷

جدول شماره ۵ - توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات و به تفکیک جنس (فراوانی/درصد)

تحصیلات جنس	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	سایر	جمع	
					فراوانی	درصد
مرد	۷۶	۸۱	۱۱	۷	۱۷۵	۳۵/۶
	۱۷	۱۴	۶	۱	۳۸	۲۵/۴
زن	۸	۶	۲	۰	۱۸	۴۳/۷
	۹۳	۹۵	۱۷	۸	۲۱۳	۲۵/۴
جمع	۹۳	۹۵	۱۷	۸	۲۱۳	۲۵/۴
	۴۳/۷	۴۴/۶	۸	۳/۷	۱۰۰	۴۳/۷

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی به اقوام در از بین رفتن انسجام ملی از نظر پاسخ

گویان بر حسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۱۶۹	۸۰
۲	زیاد	۴۱	۱۹
۳	کم	۳	۱
۴	خیلی کم	۰	۰
۵	اصلاً	۰	۰
۶	نمی‌دانم	۰	۰
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

۲- نقش تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های

قومی در ایران

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از پاسخگویان تبعیض و بی‌عدالتی نسبت به اقوام را در بروز بحران‌های قومی «خیلی زیاد» دانسته‌اند و این در حالی است که ۳۷ درصد آنان تبعیض و بی‌عدالتی را «زیاد» و تنها ۳ درصد پاسخگویان گزینه «کم» را انتخاب کرده‌اند. طبق نتایج این تحقیق ۹۷ درصد پاسخگویان نقش تبعیض و بی‌عدالتی را در بروز بحران‌های قومی خیلی موثر (زیاد، خیلی زیاد) دانسته‌اند. در این تحقیق هیچ یک از پاسخ دهندگان گزینه‌های «خیلی کم»، «اصلاً» و «نمی‌دانم» را انتخاب نکرده‌اند. نتایج کامل در جدول شماره ۲ در پایین آمده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی تاثیر تبعیض و بی‌عدالتی در

بروز بحران‌های قومی از نظر پاسخگویان بر حسب درصد.

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۱۲۷	۶۰
۲	زیاد	۸۰	۳۷
۳	کم	۶	۳
۴	خیلی کم	۰	۰
۵	اصلاً	۰	۰
۶	نمی‌دانم	۰	۰
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

جدول شماره ۶ - توزیع پاسخگویان بر حسب محل سکونت

(فراوانی/درصد)

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	اردبیل	۱۳۱	۶۱/۵
۲	مشکین	۲۹	۱۳/۶
۳	پارس آباد	۱۷	۸
۴	خلخال	۱۲	۵/۶
۵	گرمی	۱۰	۴/۷
۶	سرعین	۷	۳/۳
۷	نمین	۵	۲/۳
۸	نیر	۲	۱
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

بررسی آماری ۲۱۳ پرسشنامه دریافتی حاکی از آن

است که پاسخگویان بیشترین نفوذ تأثیر را بر عوامل داخلی قرار داده که به شرح زیر هستند:

۱- توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی به

اقوام در از بین رفتن انسجام ملی

نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۸۰ درصد پاسخگویان تحرکات و توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی اقوام ایرانی را در از بین رفتن همبستگی و انسجام ملی «خیلی زیاد» دانسته‌اند. در این راستا ۱۹ درصد پاسخگویان گزینه «زیاد» و یک درصد آنان گزینه «کم» را انتخاب کرده‌اند. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق ۹۹ درصد پاسخگویان توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و ... در مور اقوام را از عوامل بسیار موثر (زیاد و خیلی زیاد) در بروز بحران‌های قومی دانسته‌اند. در این تحقیق گزینه‌های «خیلی کم»، «اصلاً» و «نمی‌دانم» از طرف پاسخ دهندگان انتخاب نشده است. نتایج کامل در جدول شماره ۱ در پایین آمده است.

۵۳ درصد پاسخگویان گزینه «خیلی زیاد» را در رابطه با تاثیر چند فرهنگ گرایی و حفظ ارزش‌ها و حقوق اقوام در همبستگی و انسجام ملی انتخاب کرده‌اند. در این رابطه ۳۶ درصد پاسخگویان ابراز داشتند که تاثیر چند فرهنگ گرایی در انسجام ملی «زیاد» است. در مجموع ۸۹ درصد پاسخگویان چندفرهنگ‌گرایی و احترام به حقوق اقوام را در بیشتر شدن همبستگی ملی خیلی موثر (زیاد و خیلی زیاد) دانسته‌اند. در این راستا ۵ درصد پاسخ دهندگان گزینه «نمی‌دانم» و ۴ درصد دیگر گزینه «کم» و بقیه پاسخ دهندگان، یعنی ۲ درصد آنان گزینه «اصلاً» را انتخاب کرده‌اند. با توجه به نتایج تحقیق تنها ۶ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که چند فرهنگ گرایی و احترام به حقوق اقوام در بیشتر شدن همبستگی ملی نقش چندانی (کم، خیلی کم و اصلاً) ندارد. نتایج کامل در جدول شماره ۴ در پایین آمده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی چند فرهنگ گرایی و احترام

به حقوق اقوام در همبستگی و انسجام ملی از نظر

پاسخگویان بر حسب درصد.

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۱۱۲	۵۳
۲	زیاد	۷۷	۳۶
۳	کم	۹	۴
۴	خیلی کم	۰	۰
۵	اصلاً	۵	۲
۶	نمی‌دانم	۱۰	۵
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

۵- مناسب بودن واکنش‌های مقامات دولتی و

استانی به درگیری‌های قومی

نتایج بدست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که ۳۴ درصد پاسخگویان در رابطه با مناسب بودن برخوردها و واکنش‌های مقامات دولت مرکزی و

۳- نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت

نسبی اقوام در بروز بحران‌های قومی در ایران نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۵۷ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند وجود نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی در میان اقوام در بروز بحران‌های قومی «زیاد» موثر بوده است. و در همین حال ۳۹ درصد پاسخگویان ابراز داشتند که وجود نابرابری‌های اقتصادی و محرومیت نسبی در میان اقوام «خیلی زیاد» در بروز بحران‌های قومی نقش دارند. طبق نتایج این تحقیق ۹۶ درصد پاسخگویان نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی اقوام در بروز بحران‌های قومی در ایران را خیلی موثر (زیاد و خیلی زیاد) دانسته‌اند. این در حالی است که ۴ درصد پاسخگویان گزینه «کم» را انتخاب کرده‌اند. در این تحقیق گزینه‌های «خیلی کم»، «اصلاً» و «نمی‌دانم» از طرف پاسخگویان انتخاب نشده بود. نتایج کامل در جدول شماره ۳ در پایین آمده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی وجود نابرابری‌های اقتصادی

و احساس محرومیت نسبی در میان اقوام در بروز بحران‌های

قومی از نظر پاسخگویان بر حسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۸۳	۳۹
۲	زیاد	۱۲۲	۵۷
۳	کم	۸	۴
۴	خیلی کم	۰	۰
۵	اصلاً	۰	۰
۶	نمی‌دانم	۰	۰
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

۴- چند فرهنگ گرایی و احترام به حقوق اقوام

منجر به همبستگی ملی می‌شود

نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که

استان اردبیل در مقایسه با استان‌های مرکزی نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان دهنده آن است که ۴۸ درصد پاسخگویان بر این نظرند که سرمایه‌گذاری دولت و اختصاص بودجه به استان اردبیل در مقایسه با استان‌های مرکزی «کم» است. همچنین ۲۲ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشتند که اختصاص بودجه به استان اردبیل «اصلاً» مناسب نیست. در این رابطه ۱۵ درصد پاسخگویان گزینه «خیلی کم» و ۷ درصد گزینه «نمی‌دانم» را علامت زده‌اند. طبق نتایج این تحقیق در مجموع ۸۵ درصد پاسخگویان اختصاص بودجه به استان اردبیل را در مقایسه با استان‌های مرکزی نامناسب (کم، خیلی کم و اصلاً) دانسته‌اند. فقط ۷ درصد پاسخ دهندگان اختصاص بودجه به استان اردبیل را در مقایسه با استان‌های مرکزی «زیاد» مناسب دانسته‌اند و یک درصد آنان گزینه «خیلی زیاد» را انتخاب کرده‌اند. همچنین مجموع پاسخگویانی که اختصاص بودجه و سرمایه‌گذاری در استان اردبیل را مناسب (زیاد و خیلی زیاد) دانسته‌اند، تنها ۸ درصد است. نتایج کامل در جدول شماره ۶ در پایین آمده است.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی سرمایه‌گذاری دولت و اختصاص بودجه به استان اردبیل در مقایسه با استان‌های

مرکزی از نظر پاسخگویان بر حسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۲	۱
۲	زیاد	۱۶	۷
۳	کم	۱۰۳	۴۸
۴	خیلی کم	۳۲	۱۵
۵	اصلاً	۴۶	۲۲
۶	نمی‌دانم	۱۴	۷
جمع		۲۱۳	۱۰۰

استانی به بحران‌های قومی، گزینه «کم» را انتخاب کرده‌اند. از نظر ۲۷ درصد از پاسخگویان اقدامات دولت مرکزی و استانی در بحران‌های قومی «اصلاً» مناسب نبوده است و این در حالی است که ۲۵ درصد پاسخ دهندگان اقدامات مقامات را «خیلی کم» مناسب دانسته‌اند. طبق نتایج این تحقیق در مجموع ۸۶ درصد پاسخگویان واکنش‌های مقامات دولتی و استانی را در مقابل درگیری‌های قومی نادرست (نامناسب، خیلی نامناسب و اصلاً) ارزیابی کرده‌اند. در این زمینه ۷ درصد پاسخگویان گزینه «نمی‌دانم» و ۶ درصد آنان گزینه «زیاد» را انتخاب کرده‌اند و در نهایت یک درصد پاسخ دهندگان برخورد مقامات دولت مرکزی و استانی را در ارتباط با بحران‌های قومی «خیلی زیاد» مناسب دانسته‌اند. همچنین تنها ۷ درصد پاسخگویان اعتقاد دارند که واکنش‌های مقامات در برابر درگیری‌های قومی درست (مناسب و خیلی مناسب) بوده است. نتایج کامل در جدول شماره ۵ در پایین آمده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی مناسب بودن واکنش‌های مقامات دولت مرکزی و استانی به بحران‌های قومی از نظر پاسخگویان بر حسب درصد.

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی مناسب	۲	۱
۲	مناسب	۱۳	۶
۳	نامناسب	۷۳	۳۴
۴	خیلی نامناسب	۵۳	۲۵
۵	اصلاً	۵۸	۲۷
۶	نمی‌دانم	۱۴	۷
جمع		۲۱۳	۱۰۰

۶- سرمایه‌گذاری دولت و اختصاص بودجه به

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی قنون اساسی و عدم اجرای برخی از اصول آن در بروز بحران‌های قومی از نظر

پاسخگویان بر حسب درصد

ردیف	گزینه	فراوانی	درصد
۱	خیلی زیاد	۷۱	۳۴
۲	زیاد	۱۰۰	۴۷
۳	کم	۲۲	۱۰
۴	خیلی کم	۱۱	۵
۵	اصلا	۰	۰
	نمی‌دانم	۹	۴
	جمع	۲۱۳	۱۰۰

۸- چندفرهنگ‌گرایی و عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی در بروز بحران‌های قومی و انسجام ملی نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۱۹/۷ درصد پاسخگویان در رابطه با نقش چندفرهنگ‌گرایی در انسجام ملی گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند و ۲۱/۱ درصد پاسخگویان گزینه خیلی زیاد را موثر دانسته‌اند. در همین رابطه ۱۹/۷ درصد پاسخگویان گزینه زیاد را در رابطه با عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی در بروز بحران‌های قومی انتخاب کرده‌اند. و همچنین ۱۱/۳ درصد گزینه خیلی زیاد را موثر دانسته‌اند.

۷- نقش قانون اساسی و عدم اجرای برخی از اصول آن در بروز بحران‌های قومی نتایجی که از این تحقیق بدست آمده است نشان می‌دهد که ۴۷ درصد از پاسخگویان گزینه «زیاد» را در رابطه با عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی در بروز درگیری‌های قومی انتخاب کرده‌اند. در همین راستا ۳۴ درصد آنان گزینه «خیلی زیاد» و ۱۰ درصد پاسخ دهندگان گزینه «کم» را علامت زده‌اند. در مجموع ۸۱ درصد پاسخگویان نقش قانون اساسی و عدم اجرای برخی از اصول آن را در بروز بحران‌های قومی خیلی مهم (زیاد و خیلی زیاد) دانسته‌اند. همچنین ۵ درصد از پاسخگویان گزینه «خیلی کم» و ۴ درصد آنها گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند. در این تحقیق پاسخ دهندگان گزینه «اصلا» را علامت زده‌اند. نتایج کامل در جدول شماره ۷ در پایین آمده است.

جدول شماره ۸: توزیع متقاطع چند فرهنگ‌گرایی و عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی از نظر پاسخگویان بر حسب درصد

سوال	خیلی کم		زیاد		خیلی زیاد		نمی‌دانم		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
خیلی کم	۳	۱/۴	۳	۱/۴	۹	۴/۲	۰	۰	۱۵	۷/۰
زیاد	۹	۴/۲	۴۲	۱۹/۷	۲۴	۱۱/۳	۶	۲/۸	۸۱	۳۸/۰
خیلی زیاد	۱۸	۸/۵	۴۵	۲۱/۱	۲۴	۱۱/۳	۳	۱/۴	۱۰۸	۵۰/۸
نمی‌دانم	۰	۰	۹	۴/۲	۰	۰	۰	۰	۹	۴/۲
جمع	۳۰	۱۴/۱	۹۹	۴۶/۵	۷۵	۳۵/۲	۹	۴/۲	۲۱۳	۱۰۰

برخی از اصول قانون اساسی رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود. بطوری که هر چه چندفرهنگ‌گرایی بیشتر

با توجه به آزمون آماری X^2 و سطح معناداری بدست آمده بین چندفرهنگ‌گرایی و عدم اجرای

در همین رابطه ۹/۹ درصد پاسخگویان در رابطه با سیاست‌های کثرت‌گرایانه در بیشتر شدن انسجام ملی گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. همچنین ۱۱/۳ درصد پاسخگویان گزینه زیاد را در رابطه با نقش تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های قومی را انتخاب کرده‌اند. و این در حالی است که ۵/۶ درصد پاسخگویان گزینه خیلی کم را در رابطه با سیاست‌های کثرت‌گرایانه در بیشتر شدن انسجام ملی انتخاب کرده‌اند.

با توجه به آزمون آماری X^2 و سطح معناداری بدست آمده بین تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های قومی و سیاست‌های کثرت‌گرایانه در انسجام ملی رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود. بطوری که هرچه سیاست‌های کثرت‌گرایانه بیشتر مورد توجه قرار گیرد تبعیض و بی‌عدالتی کاهش یافته و در نتیجه بحران‌های قومی کاهش می‌یابد. و بالعکس

مورد توجه قرار گیرد توجه به فرهنگ، زبان و سنت‌های اقوام (اجرای برخی از اصول قانون اساسی) نیز بیشتر می‌شود و هرچه چندفرهنگ‌گرایی کمتر مورد توجه باشد، فرهنگ و ارزش‌های اقوام نیز مورد غفلت واقع می‌شود.

$X^2 = 21.920$ $df = 9$ $sig = 0/009$
ضریب همبستگی)، (df درجه آزادی)، (sig میزان معناداری نتایج بدست آمده) اگر نتایج بدست آمده برای sig از ۰/۰۵ بیشتر باشد رابطه بین دو متغیر چندفرهنگ‌گرایی و قانون اساسی معنی‌دار نیست، ولی اگر از ۰/۰۵ کمتر باشد رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد.

۸- نقش تبعیض و بی‌عدالتی و سیاست‌های کثرت‌گرایانه در مقابل سیاست‌های همگون‌ساز
نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۲۶/۸ درصد پاسخگویان گزینه خیلی زیاد را در رابطه با نقش تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های قومی را انتخاب کرده‌اند.

جدول شماره ۱۴: توزیع متقاطع نقش تبعیض و بی‌عدالتی سیاست‌های کثرت‌گرایانه از نظر پاسخگویان بر حسب درصد

جمع		نمی‌دانم		خیلی زیاد		زیاد		خیلی کم	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۴/۲	۹	۱/۴	۳	۱/۴	۳	۱/۴	۳	۰	۰
۳۵/۲	۷۵	۱۵/۵	۳۳	۲/۸	۶	۱۱/۳	۲۴	۵/۶	۱۲
۵۹/۲	۱۲۶	۱۲/۷	۲۷	۹/۹	۲۱	۲۶/۸	۵۷	۹/۹	۲۱
۱/۴	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۴	۳
۱۰۰	۲۱۳	۲۹/۶	۶۳	۱۴/۱	۳۰	۳۹/۴	۸۴	۱۶/۹	۳۶

$$X^2 = 31.605 \quad df = 9 \quad sig = 0/000$$

فاحش در زبان، سنت، مذهب و فرهنگ خود در طول سده‌های متمادی و تعامل فرهنگی ژرفی که میان آنها صورت گرفته، ارکان بهم پیوسته یک ملت را تشکیل داده و ضمن مشارکت در پیدایش و گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی با انسجام خود، وحدت ملی را حفظ و

نتیجه گیری

ایران یک واحد سیاسی-فرهنگی و سرزمینی معتدل به همه ایرانیان و اقوام ساکن در آن است و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. فارس، ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، و سایر اقوام ایرانی به رغم تفاوت‌های نسبتاً

خیلی‌زیاد) در بروز بحران‌های قومی دانسته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تظاهرات خرداد ۸۵ تنها اعتراض به توهین روزنامه دولتی «ایران» به ترک‌ها نبود، بلکه تظاهرات بر علیه توهین‌ها، تحقیرها و تبعیض‌هایی بود که بیش از هشتاد سال در قالب افکار شووینیستی بر ترک‌ها اعمال می‌شد. بطوری که در این تحقیق در مجموع، ۹۷ درصد پاسخگویان اعتقاد داشتند، نقش تبعیض و بی‌عدالتی در بروز بحران‌های قومی خیلی موثر (زیاد، خیلی‌زیاد) است.

بودجه‌هایی که همه ساله به استان اردبیل با آن همه منابع و پتانسیل اختصاص می‌یابد در مقایسه با دیگر استان‌ها خصوصاً استان‌های مرکزی ناچیز است. به طوری که نتایج تحقیقی که در این مورد انجام شده گویای آن است که در مجموع ۹۶ درصد پاسخگویان نابرابری‌های اقتصادی و احساس محرومیت نسبی اقوام در بروز بحران‌های قومی در ایران را خیلی موثر (زیاد و خیلی‌زیاد) دانسته‌اند. همچنین در این تحقیق در مجموع ۸۵ درصد پاسخگویان اختصاص بودجه به استان اردبیل را در مقایسه با استان‌های مرکزی نامناسب (کم، خیلی کم و اصلاً) ارزیابی کرده‌اند.

عدم تدریس زبان ترکی در طول دوره تحصیلی ابتدائی تا سطح عالی در دانشگاه و مدارس می‌تواند مناقشه‌آمیز باشد. بطوری که از نتایج تحقیقی که در این مورد انجام شده چنین استنباط می‌شود که در مجموع، ۸۱ درصد پاسخگویان نقش قانون اساسی و عدم اجرای برخی از اصول آن را در بروز بحران‌های قومی خیلی مهم (زیاد و خیلی‌زیاد) دانسته‌اند. همچنین در این تحقیق در مجموع ۸۹ درصد پاسخگویان چندفرهنگ‌گرایی و احترام به حقوق اقوام را در بیشتر شدن همبستگی ملی خیلی موثر (زیاد و

تمامیت ارضی را تضمین کرده‌اند. بدیهی است که در چنین بافت جمعیتی متنوعی چنانچه از الگوی مطلوبی جهت حفظ و ارتقای همبستگی ملی استفاده نشود، دستیابی به وحدت و حفظ تمامیت ارضی بسیار دشوار و مستلزم هزینه‌های بسیار مخاطره‌انگیزی خواهد بود. الگوی مذکور از یک سو باید متضمن احترام به هویت‌های قومی متنوع و از سوی دیگر تقویت تعلقات ملی بصورت توأم و مبتنی بر عمل بحق و تجلیل از کرامت انسانی باشد. بر این اساس باید پذیرفت کم توجهی به واقعیتی به نام هویت قومی و قربانی کردن مظاهر موثر در آن به پای تعلقات ملی عامل و ریشه اصلی واکنش‌ها و انفجارهایی است که تنها نیاز به جرعه ای دارد تا در یک چشم بهم زدن حریقی بزرگ را دامن بزند.

با وجودی که در گذشته همه حاکمان ترک ایرانی به گسترش زبان فارسی همت گماشته‌اند، اما نشئه‌هایی از ترک ستیزی را می‌توان در ادبیات فارسی مشاهده کرد که برای مثال «ره به ترکستان بردن» به معنی گمراهی و زورگویی و حق‌کشی تلقی شده است. تضعیف و تحقیر ترک‌ها در دوره پهلوی چشمگیر بود، اما وقوع انقلاب اسلامی و حاکمیت اصل کرامت انسانی در سرلوحه‌های برنامه دولت می‌رفت تا آرزوی رفع تبعیض و بی‌عدالتی قومی و زبانی را برآورده سازد. با این حال اتفاق‌هایی که در مناطق ترک نشین کشور روی داده است حاکی از آن است که احساسات قومی بصورت آتشی زیر خاکستر باقی است و نتایج تحقیقی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که در مجموع ۹۹ درصد پاسخگویان توهین‌های فرهنگی، اجتماعی و ... درمورد اقوام را از عوامل بسیار موثر (زیاد و

- و آموزشی نسل دانش، چاپ اول.
- ۴- باهارلی، مه‌ران (۱۳۹۰)، تاریخچه فشرده رسمیت زبان ترکی در ایران.
- ۵- ترابی، علیرضا (۱۳۹۰)، تبیین منازعات قومی بر اساس تئوری‌های مداخله، به نقل از سایت تخصصی جنس‌گن www.jangnarm.com/index.aspx?siteid=51&pageid=
- ۶- جعفری، علی (۱۳۸۸)؛ جمهوری اسلامی و تنوع فرهنگی یونسکو، فصلنامه علمی، ترویج و وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۲، تابستان.
- ۷- چلبی، مسعود (۱۳۶۷)، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای در ایران، وزارت کشور، دفتر امور اجتماعی.
- ۸- خسروی، مرتضی، الزامات فرهنگ سند چشم انداز ۲۰ ساله، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۹.
- ۹- دارالارشاد اردبیل (۱۳۸۴)، فصلنامه فرهنگ، دبیرخانه مشترک شورای پژوهشی و فرهنگ عمومی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، شماره بیست و سوم.
- ۱۰- راشدی، حسن (۱۳۸۶)، ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران، تهران: نشر اندیشه نو، چاپ اول ۹.
- ۱۱- سرداری‌نیا، صمد (۱۳۷۷)، آذربایجان پیشگام جامعه مدنی، تبریز: انتشارات هادی، چاپ اول.
- ۱۲- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۳- عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۳)، امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی، ش ۴۸ و ۴۹.
- ۱۴- فکوهی، ناصر (۱۳۸۸)، اینترنت و هویت در

خیلی‌زیاد) ارزیابی کرده اند.

مدیریت بحران‌ها در یک کشور و میزان مدارا و انعطاف‌پذیری در آن از طرف مقامات دولتی در مواقع بحرانی از مولفه‌های اساسی کنترل بحران‌ها می باشد. نتایج تحقیقی که در این مورد انجام یافته نشان دهنده آن است که در مجموع ۸۶ درصد پاسخگویان واکنش‌های مقامات دولتی و استانی را در مقابل درگیری‌های قومی نادرست (نامناسب، خیلی نامناسب و اصلاً) ارزیابی کرده‌اند.

کشور ایران بخاطر دارا بودن اقوام زیاد در ترکیب جمعیتی خود ناگزیر است سیاست‌هایی را در پیش بگیرد که در آن به قومیت‌ها توجه می‌شود. زیرا اکثر اقوام موجود در ایران بر روی نقشه جغرافیایی هم‌مرز هم‌قومان خویش در کشورهای همسایه هستند و در صورت عدم نگاه علمی و کارشناسانه به موضوع و مسائل قومیت‌ها، باعث جذب آنها از طرف کشورهای همسایه و در نتیجه واگرایی آنها از مرکز می‌شود، ولی اگر اقوام احساس کنند که در ایران به آنها اهمیت داده می‌شود و به فرهنگ و آداب آنها احترام گذاشته می‌شود تمام تلاش خود را برای همگرایی ملی انجام می‌دهند و در نتیجه این عمل باعث توجه و جذب هم‌قومان آنها در کشورهای همسایه به داخل ایران خواهد شد.

منابع

- ۱- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- ۲- احمدی، حمید (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات همایش تاریخی و ادبی فراق، موسسه فرهنگی اردن.
- ۳- افشارسیستانی، ایرج (۱۳۷۹)، عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان، تهران، موسسه انتشاراتی

پنج هویت قومی ایرانی، مجله جهانی رسانه، شماره ۷.

۱۵- مقصودی مجتبی، (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، مؤسسه مطالعات ملی، تهران.

۱۶- نش، کیت (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، (ترجمه محمدتقی دلفروز)، با مقدمه دکتر حسین بشیریه، تهران: نشر کویر، چاپ هفتم.

۱۷- هیئت، جواد (۱۳۷۶)، آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخش، ویژه‌نامه مجله وارلیق.

۱۸- ویژه‌نامه گونش (۱۳۸۶)، نشریه دانشجویان آذربایجانی دانشگاه علم و صنعت، سال پنجم / شماره مسلسل ۴۰.

۱۹- ویکز، ریچارد (۱۳۸۳)، دانشنامه اقوام مسلمان، (ترجمه معصومه ابراهیمی و پیمان متین)، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول.